

از پدافند غیرعامل تا امنیت فرهنگی، سیاست‌های موجود و مطلوب جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

سید مجید امامی

استادیارگروه فرهنگ و دولت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران.

s.m.emamy@isu.ac.ir

چکیده

در جهان امروز، پیش‌بینی تهدیدها و مصون‌سازی ساختارها و عاملیت‌ها از هرگونه بحران آفرینی مهاجم و متخاصم از مهم‌ترین مسائل هر نظام فرهنگی و هر دولت مستقلى است. اگر ابعاد فرهنگی ارتباطی این دفاع غیرنظامی و غیر مسلح را برجسته کنیم، با حوزه مهم امنیت فرهنگی-هویتى در ادبیات سیاست‌گذاری هم‌صدا می‌شویم و مسائل مشترکی می‌یابیم. مسئله این مقاله بازخوانی و مقایسه دستورکارهای سیاستی و تدابیر سیاستی موجود و مطلوب در اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران ناظر به این میدان مشترک و مسئله‌خیز است که با روش اسنادی و تحلیل مضمون سیاست‌ها تحقیق و نگارش شده است. طبعاً این تحقیق در پرتو مطالعه مروری و یادآوری پژوهش‌های مرتبط با مسائل سیاستی پدافند غیرعامل، به‌مثابه امنیت فرهنگی، محقق شده است. در پایان براساس تطبیق و تحلیل انتقادی محقق، مهم‌ترین مسائل و تدابیر مطلوب اما مغفول، صورت‌بندی و پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: دفاع غیرعامل، امنیت فرهنگی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نظریه سیاستی.

مقدمه

در طول تاریخ و تحول تمدن‌ها، جوامع انسانی همواره در تهدید جنگ و خشونت‌های حاصل از آن بوده‌اند؛ به طوری که در قرن بیستم بیش از ۲۲۰ جنگ به وقوع پیوست که بیش از ۲۰۰ میلیون تلفات انسانی در بر داشت و در طی ۶۹ سال، یعنی طی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۴، در روی کره زمین فقط چند هفته بدون جنگ بوده است. جالب اینکه اکثر این جنگ‌ها در خاورمیانه و در همسایگی کشورمان به وقوع پیوسته است (میرسمیعی، ۱۳۹۱). نظر به این پیشینه و قاعده عقلی و جوب دفع خطر احتمالی (و اهتمام بر آن) و نیز پیشرفت‌های فناوریانه، که هم ابعاد آسیب‌پذیری و هم وجوه بازدارندگی را متحول کرده است، توجه به مسئله دفاع غیرنظامی و مصوت‌سازی پیش از بحران اهمیت دارد و لازم است به منظور دستیابی به اهداف و اصول پدافند غیرعامل، فرهنگ و خط‌مشی پدافند غیرعامل در تمام سطوح و بخش‌های مختلف توسعه یابد تا با بهره‌گیری از آن، نیروی انسانی، تأسیسات و تجهیزات حساس و حیاتی در زمان تهدیدهای گسترده دشمن حفظ شود.

در مقاله پیش رو، نخست سعی کرده‌ایم این موضوع را با محوریت مفهومی امنیت فرهنگی در ادبیات رسمی و موجود (سیاست‌های برنامه ششم و نیز سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل/سیاست‌های اجرایی پدافند غیرعامل فرهنگی)^۱ و مطلوب (سند الگوی پایه پیشرفت) بررسی کنیم. ساخت هویت ملی و دینی، به منظور جلوگیری از تهاجم و شیخون فرهنگی دشمن و همچنین، هدایت و مدیریت افکار عمومی جامعه در تقابل جنگ اطلاعاتی ارتباطاتی قبل و حین بحران، که قاعده‌تاً امروزه می‌تواند از طریق فضای مجازی تحقق یابد، و مهندسی دیپلماسی فرهنگی با کشورهایی که تقارب فرهنگی و دینی و ملی داریم به منظور جلوگیری از نفوذ دشمنان و از بین بردن الفت و همزیستی به میراث‌رسیده و صدور فرهنگ اسلامی ایرانی به‌مثابه افزایش نفوذ فرهنگی برخی از این موارد است.

در پایان، مسائل یا سیاست‌های مغفول سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی براساس سیاست‌پژوهی و مرور پژوهش‌ها و مطالعات داخلی و خارجی، به سیاست‌گذاران توسعه و پیشرفت در ایران پیشنهاد داده شده است.

۱. اعلامی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۲۹ بهمن ۱۳۹۸، به آدرس:

<https://paydarymelli.ir/fa/news/57026>.

تحلیل و تبیین مسئله

«الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» در حکم دکترین مطلوب و مختار نظام در لایه «دولت‌سازی»، می‌خواهد ریل‌گذاری برنامه‌ریزی کشور در بازه‌ای بلندمدت^۱ باشد که مشخصاً برنامه‌های پنج‌ساله و البته گفتمان پیشرفت (توسعه) جامعه ایرانی را اشراق و تغذیه خواهد کرد. حال اگر به‌علت ضعف روش‌شناختی، غفلت‌های عملی و نارسایی‌های نظری همه موجودیت حکمرانی ملی و ظرفیت‌های تحقیقی این تحول و پیشرفت موردنظر قرار نگیرد، شاهد الگویی ناقص و غیرگفتمان‌ساز خواهیم بود که فاقد نگاه سیستمی و پیشرفت در کشور است. این بدان معنا نیست که واجب است همه نهادها و سازمان‌ها و طبقات و اصناف و اقشار و مأموریت‌ها و غیره در یک سند مختصر و محدود بازتکرار شوند یا سهم‌خواهی کنند، بلکه به این معناست که همه ابعاد ساختاری نظام بتوانند آن را برای خود الهام‌بخش و جهت‌ساز بدانند. الگوی پیشرفت می‌خواهد نظام تصمیم‌گیری حاکمیتی (در برابر اداری/مدیریتی) کشور را هدایت کند و تاحدممکن از سه‌گانه «تصمیم بد، بی‌تصمیمی و تصمیم‌گیری تأخیری» (دانایی فر، ۱۳۹۸) برهاند و ترجمانی «پویا و جامع» بر اسناد مادر ملی یعنی قانون اساسی و مراد مؤسسان نظام باشد تا طبعاً کیفیت کشورداری افزایش یابد. گزارش حاضر بازنمایشی در تدابیر فرهنگی-ارتباطی سند الگوی پایه و نیز استخراج نقاط خلأ و غفلت آن از این منظر است. این مقاله می‌کوشد از ره‌آورد فهم عمیق رویکرد «امنیت فرهنگی» به تبیین، «اصلاح یا تأسیس» برخی سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اصلی موجود و مطلوب در این میدان پردازد.

در ادامه برای فهم مسائل سیاستی نظام در عرصه فرهنگ و ارتباطات یکی از جدیدترین اسناد جامع ملی که از سطح حاکمیتی، کلان و نهایی شده برخوردار است را مرور می‌کنیم. بر این اساس، مشخص می‌شود که «الگوی پایه پیشرفت» به‌مثابه سیاست مطلوب پیشنهادی (که یک مرکز راهبردی زیرنظر ولی فقیه آن را تنظیم کرده و رهبری در معرض شور نخبگان قرار داده است و تا تاریخ نگارش این مقاله این دوره هنوز ادامه دارد) تا چه حد با مسائل سیاستی تطابق دارد و در این تطابق یا تعایر، چه توجهی به اصل پدافند غیرعامل شده یا نشده است؟

۱. مقام معظم رهبری در دعوت عام صاحب‌نظران به تکمیل و تتمیم متن الگوی پایه، به دوره‌ای پنجاه ساله اشاره کرده‌اند که مبنای ماست.

چهارچوب مفهومی

سیاست‌های کلی نظام و به‌طور مشخص، سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل این مقوله را به شرح زیر تعریف کرده است:

«مجموع اقدام‌های غیرمسلحانه‌ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدها و اقدام‌های نظامی دشمن می‌شود».

پدافند غیرعامل نه یک بخش و حتی فرابخش از میدان اجرایی کشور و نه یک عرصه و فراز از حکمرانی، بلکه شرط، توصیه و رویکردی جامع و فراگیر است^۱ که همه بخش‌ها، فرابخش‌ها و عرصه‌های حکمرانی را دربر می‌گیرد. اگر تعریف مطرح در متن سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل را مبنا قرار دهیم، افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تدام فعالیت و تسهیل مدیریت بحران^۲ هر بخش و عرصه‌ای از کشور در شرایط تهدید دشمن (عوامل غیرطبیعی)^۳ و تسهیل مدیریت بحران را هدف قرار داده است. حال سؤال اساسی اینجاست که ماهیت نرم‌افزاری و ادراکی و بین‌الذهانی فرهنگ و حتی بخش فرهنگی جامعه با این رویکرد و توصیه‌ی اساسی چه نسبتی برقرار

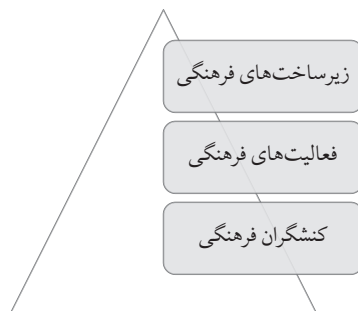
۱. به این فراز از بیانات فرمانده کل قوا توجه کنید: «پدافند غیرعامل یک اصل خواهد بود برای همیشه نه یک مقطع خاص ... مسئله یک مسئله مستمر همیشگی است. ببینید چقدر مهم است که ما این حالت را در کل بیکره کشور و جامعه و دستگاه‌های مختلف به‌وجود بیاوریم. کاری کنید که همت ما فقط معطوف به این نباشد که دشمن را منصرف کنیم یا خودمان را برای مقابله آماده کنیم؛ نه، کاری کنیم که مصنوعیت را در خودمان به‌وجود بیاوریم. این با پدافند غیرعامل تحقق پیدا می‌کند؛ بنابراین مسئله، مسئله بسیار مهمی است که بایستی راه بیفتد (۱۳۹۱/۸/۷). به نقل از وبگاه سازمان پدافند غیرعامل به آدرس:

<http://www.pdrc.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=431> تاریخ بازبایی: ۱۳۹۸/۹/۱۳

۲. تهدیدهای ذریبط پدافند غیرعامل شامل تهدیدهای نظامی و سایبری، زیستی (انسان، دام، کشاورزی، مواد غذایی و دارویی، آب، محیط زیست و منابع طبیعی)، پرتوی، شیمیایی و اقتصادی است که سیاست‌گذاری، هدایت و برنامه‌ریزی مقابله با تهدیدهای یادشده در قرارگاه‌های پدافند سایبری، پدافند زیستی، پدافند پرتوی، پدافند شیمیایی، پدافند اقتصادی و پدافند مردمی تشکیلاتی سازمان پدافند غیرعامل کشور انجام می‌پذیرد؛ قرارگاه‌های یادشده در سطوح استانی هم تشکیل شده‌اند و در حال فعالیت هستند. مقابله با تهدیدهای طبیعی (زلزله، سیل، آتشفشان، خشکسالی، سرما و غیره) که جزء حوادث طبیعی و غیرمترقبه هستند در حوزه مسئولیتی سازمان پدافند غیرعامل کشور قرار نمی‌گیرد به نقل از وبگاه اطلاع‌رسانی پدافند غیرعامل <http://paydarymelli.ir/fa/content/۲۰>.

۳. طبقاً سازمان مدیریت بحران کشور و ستاد مدیریت بحران هر استان و هر دستگاه هم رسیدگی به بحران‌های طبیعی و آن دسته از بحران‌های غیرطبیعی که مستقیماً از ناحیه تجاوز دشمن محقق نشده است را مدنظر دارد. این بحران‌ها را فاجعه یا بلا یا هم می‌توان خواند.

می‌کند؟ طبعاً توجه به لایه امکانات و تأسیسات و فضاهاى فرهنگى یا حتى لایه فعالیت‌ها و تولیدات فرهنگى، تقلیل پدافند غیرعامل است؛ حال آنکه حفظ و صیانت از نظام ارزشى جامعه، افکار عمومى و احساسات عامه و امید و اعتماد و «امنیت روانى اجتماعى» جامعه در زمان تجاوز دشمن بسیار مهم‌تر و حیاتی‌تر است.



شکل ۱: نمودار کوه یخی عوامل بخش فرهنگ

- بر این ممشا، می‌توانیم مهم‌ترین سطح پدافند غیرعامل فرهنگى را تعیین و هدف‌گذاری کنیم:
- ماهیت: افزایش بازدارندگى و کاهش آسیب‌پذیرى هویت و ارزش‌هاى فرهنگى در شرایط تهدید که البته خود را در کنشگران فرهنگى متعین مى‌کند.
 - هدف: حفظ، صیانت، ارتقا و تقویت نظام ارزشى جامعه متجلى در افکار عمومى و نگرش‌هاى روزمره از تغییر، تخریب و تهدید دشمن (نرم و سخت).

افکار عمومى و جنگ‌هاى شناختى

کاربرد روان‌شناسى سیاسى و ارتباطات اقناعى، یک آموزه مهم را متذکر مى‌شود که مسیر تحمیل تغییر و تحریف از خارج از محیط و بوم فرهنگى یک نظام مستقل، بسیار تهدیدزا و حساس است. این توجه به امر فرهنگى یا نگرش‌ها و افکار کنشگران البته به معنای غفلت از سطوح رویین «دفاع بدون سلاح» از بخش فرهنگ، هنر و ارتباطات نیست. برای مثال حفظ توان تولید رسانه‌ای هنرى سازمان‌هاى رسمى و نیز مردمى در شرایط تهاجم یا برقرارى و بازدارندگى امنیتی محیط‌هاى اصیل مناسک عبادى به‌ویژه مساجد و زیارتگاه‌ها در شرایط تهاجم بی‌شک بعد فرهنگى پدافند غیرعامل را سامان مى‌دهد؛ مثال دیگر ارتباطات و رسانه‌هاى سایبرى است که حفظ و تاب‌آورى کنشگران آن از زیرساخت آن کم‌اهمیت‌تر نیست. به تعبیر رئیس سازمان پدافند غیرعامل، اثرگذارى و سایبرى شدن

فناوری، زندگی و کنش‌های انسانی، به‌نوعی معماری جامعه و زیرساخت‌های آن را دچار تغییر و تحول اساسی می‌کند. این تغییرات از جنس اثر فناوری بر پدیده‌هاست. اگر این اثرات و تغییرات را مدیریت نکنیم، مانند کاهی در امواج خروشان فناوری خواهیم بود. در ارزیابی و پایش مهم‌ترین تهدیداتی که امروز متوجه زیرساخت‌ها و دارایی‌های حیاتی کشور است باید گفت: «جنگ ترکیبی رسانه‌محور» یکی از مهم‌ترین مخاطراتی است که کیان کشور را تهدید می‌کند، اما باید دانست که میدان و محیط حیات این مخاطره مردم، ذهن مردم و به‌عبارت دقیق‌تر، «افکار عمومی» است (اسکندری، ۱۳۹۷: ص ۱۷)؛ از طرف دیگر، رابطه مستقیمی بین افکار عمومی و احساس امنیت وجود دارد. احساس امنیت اجتماعی در جامعه زمینه را برای سازگاری بین گروه‌های اجتماعی، قومی، دینی و نژادی مختلف (با توجه به تنوع این شاخص‌ها در کشور ما) فراهم و فضای اجتماعی امن‌تری برای تعاملات اجتماعی گروه‌ها با یکدیگر ایجاد می‌کند؛ به‌عبارت دیگر، در صورت تأمین احساس امنیت اجتماعی در جامعه، برای گروه‌های مختلف منتسب به هویت‌های گوناگون، امنیت ایجاد خواهد شد. عواملی مانند رهبران فکری، تبلیغات، گروه‌های فشار سودطلب و آرمان‌گرا و استفاده از رسانه‌های داخلی بر احساس امنیت اجتماعی افراد مدنظر به‌صورت مستقیم و معنادار و شایعات، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خارجی بر این احساس، به‌شيوه معکوس و معنادار تأثیر دارند (مقتدایی و امیری، ۱۳۹۶).

امنیت فرهنگی، امنیت انسانی و امنیت اجتماعی شده

در مقدمه گفتیم که ساخت هویت ملی و دینی به منظور جلوگیری از تهاجم و شیخون فرهنگی دشمن، همچنین هدایت و مدیریت افکار عمومی جامعه در تقابل تهاجم اطلاعاتی ارتباطاتی قبل و حین بحران از تأکیدهای «اندیشه پدافند غیرعامل» به نظام فرهنگی جمهوری اسلامی است. مهم‌ترین نسبت نظام دفاعی-امنیتی یک جامعه، که پدافند غیرعامل پیشانی آن است، با حوزه فرهنگ را در کدام میدان نظری باید جست‌وجو کرد؟ پاسخ واضح اما در ادبیات پدافند غیرعامل مغفول مانده است. با تقویت رویکردهای ایجابی، فرهنگ‌گرایی در مطالعات امنیت ملی آغاز شد (مک کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: صص ۳۰-۱۱). کم‌کم به فرهنگ امنیت ملی توجه شد؛ بدین معنا که منافع امنیت ملی توسط بازیگرانی مطرح می‌شود که خود کنشگر فرهنگی هستند. سازه‌گرایان پیشرو این توجه به مفهوم هویت بودند؛ هویت به‌مثابه مهم‌ترین برساخته فرهنگی با تعیین منافع سیاسی برجسته می‌شود و از همین جا فرهنگ ملی و راهبردی به‌مثابه موضوع مهم امنیت طرح

می‌شود. «امنیت فرهنگی ملی» تأکید بر حفاظت از ارزش‌های حیاتی ملی در مقابل تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های عمدتاً خارجی است. تهدید هم در این نگاه گسترش جدایی هویت‌های فرهنگی و قومی بین گروه‌ها و چیزی است که ارزش‌ها و معانی را، که در مجموع حافظه ملی یک جامعه را می‌سازد، تخریب یا ناکارآمد کند. در مقابل، در محیط امن فرهنگی قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول و پویایی محقق می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۳۴). فرست هم معتقد است امنیت فرهنگی از طریق مراقبت‌های فعال یک فرهنگ و ارتقای شرایط پیشینی لازم برای رشد و توسعه سازگاری‌های آن حاصل می‌شود. در نهایت، امنیت فرهنگی، ملی شامل بقای الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوستگی، هویت و آداب و رسوم دینی یا ملی، با اجازه‌دادن به تغییرات قابل قبول می‌شود. اثرات ناخواسته و جانبی هر سطحی از «تماس فرهنگی» و حفاظت از ارزش‌های بنیادین جامعه همواره از مهم‌ترین مسائل نظام‌های سیاسی است که به‌خاطر آن نیازمند امنیت فرهنگی ملی هستند که در جامعه ما، که نظام سیاسی با ارزش‌های فرهنگی افراد، گروه‌ها و غیره پیوند عمیق‌تری دارد، جدی‌تر است؛ تا آنجا که حتی یک مמשای فرهنگی ارزشی به‌راحتی تقابل با نهاد حاکمیت تلقی و تداعی و تصور

۱. هم‌راستا با ادبیات امنیت فرهنگی، یکی از مهم‌ترین دکترین‌های فعال در سیاست فرهنگی کشورهای جهان، دکترین تنوع فرهنگی است. سی‌وسومین نشست کنفرانس عمومی یونسکو در اکتبر ۲۰۰۵، منجر به تصویب کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع «بیان‌های فرهنگی» شد که بر اثر فرایندهای کنونی جهانی بسیار آسیب‌پذیر شده‌اند و تاکنون هیچ حمایت خاصی نداشته‌اند. این کنوانسیون برخلاف اعلامیه یونسکو، یک سند حقوقی الزام‌آور برای کشورهای است که آن را تصویب کرده‌اند. تصویب این کنوانسیون خودبه‌خود اتفاق نیفتاد و سه نکته موجود در آن، مباحث فراوانی را به‌دنبال داشت. نکته اول مربوط به تعریف‌ها، به‌ویژه تعریف کالاها و خدمات فرهنگی است؛ آیا این کالاها باید همچون همه کالاها دیگر تلقی شوند؟ کالاهایی که هم ارزش اقتصادی دارند، هم ارزش فرهنگی؛ بنابراین، نباید منحصرأ کالای تجاری تلقی شوند. هدف کنوانسیون، که در بند اول بیان شده است، شناسایی سرشت ویژه فعالیت‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی به منزله محمل‌های هویت، ارزش‌ها و معناست. به بیان ساده، این بدان معناست که فیلم، سیدی یا کتاب فقط تابع قوانین بازار نیست، بلکه هر یک به‌منزله محمل هویت، ارزش و معنا می‌تواند از حمایت (یعنی طبق نص صریح تعاریف حفظ، مراقبت و ترویج) برخوردار شود. ماده دوم می‌گوید: دولت‌های عضو می‌توانند سیاست‌های فرهنگی را برای حمایت از خلاقیت اتخاذ کنند. به‌طور مثال، آن‌ها می‌توانند با لحاظ کردن حقوق بشر و جریان آزاد اطلاعات، برای هنر و فرهنگ یارانه اختصاص دهند، یا به‌وسیله اعطای معافیت‌های مالیاتی فرهنگ‌های ملی خود را تشویق و حمایت کنند. سرانجام، نکته سوم مربوط به ماده ۲۰ است که اعلام می‌دارد کنوانسیون متناقض با معاهدات دیگر نخواهد بود، بلکه طبق اصل «حمایت متقابل، تکمیل‌کنندگی و عدم فرعیّت» عمل خواهد کرد. نکته مربوط به همکاری فرهنگی بین‌المللی (ماده ۱۲ تا ۱۹) که کمتر بحث‌برانگیز بود، صورت‌جدیدی از شرایط همبستگی را پیش‌بینی می‌کند و فرهنگ را در قلب توسعه قرار می‌دهد (به نقل از نشریه پیام یونسکو، شماره ۳۸۹. سال سی‌وهفتم. بهمن ۱۳۹۱. ترجمه و انتشار کمیسیون ملی یونسکو در تهران).

می‌شود (مانند مسئله حجاب). در دوره جدید و افزایش دسترسی ارتباطات و جابه‌جایی ارزشی شاهد واگرایی هویت‌های فروملی نسبت به هویت فرهنگی ملی هستیم (از طریق مقایسه خود با دیگران و نیز تماس فرهنگی) و طبعاً انگیزه‌ها برای جدایی طلبی هویتی و در نهایت، سیاسی محتمل‌تر می‌شود. جهانی‌سازی و یکسان‌سازی روبه‌تزايد ارزش‌ها و سبک زندگی خاص، به‌ویژه از طریق هجوم صنایع فرهنگی، منشأ دیگر تهدیدهای امروزی است. به‌هر حال، مهم‌ترین عامل بقای یک فرهنگ مورد تهدید از خارج اولاً، قدرت تطابق با محیط متغیر فرهنگ جهانی است و ثانیاً، امکان و توان مقاومت فرهنگی است که امری فراتر از تطابق و البته انفعال و تدافع است. در سطح داخلی هم، به‌ویژه در کشورهای دارای تنوع قومی زبانی، مذهبی و غیره از آنجا که هویت فرهنگی ملی مستلزم وفاق و همگرایی و تلائم تنوع‌ها در کنار یکدیگر است، باید مراقبت‌های ویژه داشت و از واگرایی پرهیز کرد و پیوسته به فکر همگرایی بود. احساس خودبرتری نسبت به سایر خرده‌فرهنگ‌ها، که تحقیر، احساس بی‌عدالتی و احساس فقدان موقعیت شایسته در حاکمیت را به اقلیت‌ها القا می‌کند، خود یک تهدید بزرگ است.

اما «امنیت فرهنگی انسانی» را بیشتر مشابه تأمین و تضمین حقوق اقلیت‌ها و حقوق شهروندی دانسته‌اند. البته مفهوم امنیت انسانی جعل شده است تا نشان دهد در عین تأمین همه شاخص‌های امنیت کلان، سخت و سیاسی، ممکن است امنیت انسان به‌مثابه فرد و موجودی فرهنگی فراموش شود (سازمان ملل انواع هفت‌گانه امنیت انسانی را شامل اقتصاد، غذا، محیط زیست، فردی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی می‌داند). تهرانیان آزادی عقیده، وجدان، زبان، بیان، سبک زندگی، نژاد، جنسیت، گروه‌ها و انجمن‌ها و مشارکت‌های فرهنگی و سیاسی را اجزای مختلف حقوق فرهنگی اقلیت‌های ساکن، مهاجر یا پناهنده‌بر می‌شمرد که ممکن است تحت تأثیر سیاست‌ها یا فشار دولت‌های ملی یا نیروهای جهانی تهدید شود (تهرانیان: ۲۰۰۴: ص ۴؛ برگرفته از پژوهش آشنا و اسماعیلی، ۱۳۸۸: ص ۸۳).

تا اینجا مشخص شد که امنیت فرهنگی ملی ناظر به فرهنگ نهاد حاکم دولت-ملت و امنیت فرهنگی انسانی ناظر بر گروه‌های غیرحاکم و حفظ و صیانت از حقوق آن‌هاست. امنیت اجتماعی شده^۱ (فراتر از امنیت اجتماعی) هم چهارچوب نظری سومی است که می‌توانیم از دل آن مسائل الگوی پیشرفت در عرصه فرهنگ، تربیت و ارتباطات را استخراج کنیم. چهارمین نسل ادبیات

امنیت اجتماعی، که متعلق به مکتب کپنهاک است، بحث را روی مسئله هویت و خرده‌هویت‌های درون یک جامعه متمرکز کرده است. باری بوزان در کتاب خود با عنوان چهارچوب دوره‌ای برای تجزیه و تحلیل امنیت آن را به تصویر کشیده است (افتخاری، ۱۳۹۲: ص ۴۳).

دلالت‌ها و سیاست‌های موجود

ما دو سند مهم و اساسی را مبنا و دلالت‌گر فهم سیاست‌های موجود و طبعاً مسائل سیاستی (دستورکارهای کلان) در موضوع پدافند غیرعامل ارتباطی فرهنگی قرار می‌دهیم؛ یکی که به‌طور مستقیم به این موضوع مرتبط است و دیگری چتر بالای سر تنظیم آخرین برنامه توسعه پنج‌ساله در جمهوری اسلامی ایران بوده است و از این حیث اتقان و الزام بالایی دارد.

در مقدمه متن ابلاغی سیاست‌های برنامه (۱۳۹۴) به رئیس جمهور وقت، شاهد مهم‌ترین دلالت ممکن بر پدافند غیرعامل فرهنگی هستیم و آن هم «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» است که منظور از مقاوم‌سازی، افزایش تاب‌آوری و حفظ نظام ارزشی جامعه در شرایط تهاجم و منازعات فرهنگی، فکری و ارزشی است، اما به‌ویژه در دو بخش اجتماعی و فرهنگی سیاست‌ها، چندین سیاست فرهنگی مصرح نظام به چشم می‌خورد که عبارت‌اند از:

سیاست ۳۳. توسعه محتوای فضای مجازی براساس نقشه مهندسی فرهنگی کشور حداقل پنج برابر وضعیت کنونی و بومی‌سازی شبکه‌های اجتماعی: دو موضع مطرح در این سیاست مهم یعنی محتوا و شبکه، پیشران‌های فرهنگی و ارکان فرهنگی نظام ارتباطات نوین هستند. در همین موضوع شبکه‌های اجتماعی، تهدیدزایی تلگرام و حضور بیش از ۴۰ درصدی ایرانیان در آن و البته افزایش کاربران اینستاگرام تا ۵۰ درصد پس از فیلترینگ و نارسایی پسته‌های تلگرام، زنگ خطر جدی فقدان امنیت و پیشگیری در فضای مجازی ایران را به صدا درآورد، چیزی که فیلتر تلگرام تنها با بخشی از آن مقابله کرد؛ از این رو، عمومی‌سازی شبکه‌های اجتماعی بومی از طریق سیاست‌های فرهنگی و زمینه‌ای مانند مصون‌سازی زیرساخت‌های حیاتی جامعه مهم و اساسی است. سایر ارکان حکمرانی فضای مجازی، از سواد اطلاعاتی و سواد اخلاقی در رسانه تا تنظیم‌گری (ریگولاتوری در و بر) مراکز داده (IDC) و صوت و تصویر فراگیر و بازاریابی و تجارت الکترونیک، دسترسی عمومی اقشار و اپراتوری شبکه و غیره همگی ذیل مسئله امنیت فرهنگی بازطرح می‌شوند که لازم است در الگوی پیشرفت، دکترینی بر آن حاکم باشد.

سیاست ۷۲. حضور مؤثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضای مجازی به منظور

توسعه و ترویج فرهنگ، مفاهیم و هویت اسلامی ایرانی و مقابله با تهدیدات: این بند در واقع به کارآمدسازی، هوشیارسازی و مقاومسازی سازمان‌های کنشگر اجتماعی در حوزه فرهنگ در نسبت با تهدیدهای هویتی جهانی نظر دارد. مشکل بسیار مهم سازمان‌های فرهنگی، چه دولتی (حاکمیتی) و چه مردمی، به‌ویژه به‌خاطر هویت مصرف‌کننده (بودجه و اعتبارات نفتی)، پاسخ‌گو، جذاب، متعامل و درگیر نبودن (نسبت با مخاطبان و نخبگان) و عدم چابکی، عدم مسئله‌مندی و عدم هدفمندی (محصولات و خروجی‌ها)، تهدیدی جدی در نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است.

- سیاست ۳۶. حضور مؤثر و هدفمند در «تعاملات بین‌المللی فضای مجازی»: حضور فعال در فضای جهانی شده مجازی، تنها به سهم در تجارت الکترونیک یا غیره ختم نمی‌شود. سهم سازنده و هویت‌بخش در محتوای شبکه‌ای شده و جهانی شده فضای مجازی، که طبعاً بخش مهمی از کاربری فارسی‌زبانان را تأمین خواهد کرد و اتخاذ سیاستی بازدارنده در توسعه محتوای پاک، نقش مهمی در بازدارندگی و دفاع غیرعامل نسبت به تهاجم فرهنگی ارتباطی مخالفان اسلام ناب و انقلاب اسلامی دارد. البته دلالت بند ۳۴ سیاست‌ها در خصوص شبکه ملی اطلاعات نیز الهام‌بخش است که طبعاً در گزارش مستقل حوزه فناوری بدان پرداخته خواهد شد. بی‌شک یکی از مهم‌ترین مسائل و بلکه سیاست‌های به نتیجه نرسیده جمهوری اسلامی ایران تأمین زیرساختی داخلی و درون‌راهبر برای دسترسی‌های بومی است که حداقل ۵۰ درصد کاربری و تراکنش‌های ارتباطی ایرانیان را پوشش دهد. متأسفانه به دلایل اقتصاد سیاسی (سهم دولت از شبکه و نت‌فروشی) و تضاد منافع هنوز سیاست‌های صریح نظام در این حوزه محقق نشده است.

- سیاست ۴۶. «تقویت نهاد خانواده» و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان با توجه به نقش سازنده آنان: حفظ مرکزیت نهاد خانواده در نظام اجتماعی تربیتی جامعه ایرانی از دشوارترین و مهم‌ترین مأموریت‌های نظام جمهوری اسلامی، به‌ویژه با توجه به امواج سهمگین تغییرات اجتماعی مدرن و پسامدرن، است که فردی شدن، جنسیتی شدن، مادی شدن و حقوقی شدن (در برابر اخلاقی شدن) زندگی انسان معاصر را تشدید کرده است.

- سیاست ۴۸. «هویت‌بخشی به سیمای شهر و روستا» و بازآفرینی و روزآمدسازی معماری اسلامی ایرانی: بی‌شک پیوند هویت و معماری شهری از مهم‌ترین اصول سیاست فرهنگی و حفظ اصالت و مقاومت در برابر تغییرات فرهنگ مهاجم است (نک: یونسکو، ۱۳۸۱؛ بیطرف و نیک‌فطرت، ۱۳۹۵).

- سیاست ۵۰. توسعه پایدار «صنعت ایرانگردی» (پنج‌برابرشدن ایرانگردی خارجیان تا انتهای برنامه): هرچند جهانگردی امری چندبعدی است، نقش آن در معرفی اصالت و شأنیت هویتی و تصویر ملی، تأثیر بسزایی در تقویت بنیه داخلی و قدرت نرم یک کشور در منازعات و تلاطم‌های بین‌المللی دارد.

- سیاست ۵۱. «حمایت» از صنایع دستی و صیانت از میراث فرهنگی کشور: حفظ عرصه و اعیان موارث ملموس فرهنگی و هویتی اعم از ابنیه، اشیا و بافت‌های تاریخی که در ادبیات جهانی با عنوان «سیاست محافظت فرهنگی»^۱ یاد می‌شود، در تهدیدهای غیرطبیعی بیشتر مورد توجه است. نمونه‌های بارز تخریب و نابودی این موارث در جنگ‌های افغانستان (مجموعه مجسمه‌های بودا)، عراق، سوریه (به‌ویژه در حلب) و لبنان (مثلاً قلعه نون در بعلبک) نشان داد منطقه ما به‌طور خاص در معرض تهدید علیه موارث ملموس است.

- سیاست ۵۳. ارتقای توان بازدارندگی کشور که کاملاً مرتبط با پدافند غیرعامل است: بند سوم این سیاست، یعنی «افزایش ظرفیت‌های قدرت نرم و دفاع سایبری و تأمین پدافند و امنیت سایبری برای زیرساخت‌های کشور»، مورد توجه ماست. بی‌شک قدرت نرم توجهات را به‌گستره افکار عمومی، دفاع و عملیات شناختی و صیانت از تصویر و مشروعیت و دل‌بستگی عمومی به نظام سیاسی سوق می‌دهد. این امر فرهنگی و ایدئولوژیک (دفاع نرم)، که نه تنها در نظام ارتباطات سیاسی کشور بلکه در ارکان هویت‌ساز و صنایع و خدمات فرهنگی اصیل جای دارد، می‌تواند در سخت‌ترین شرایط تهدید با به‌کارانداختن و فعال‌کردن همگرایی و همبستگی هویت‌محور، سرمایه اجتماعی و علقه‌های معنوی مردم به سرزمین و نظام، همچون سده‌های آهنگین در برابر تهدید سخت دشمن صف‌آرایی کند.

- سیاست ۶۱. «توسعه کمی و کیفی رسانه‌های» فرامرزی با زبان‌های رایج بین‌المللی: داشتن رسانه‌های فرامرزی در واقع به معنای مدیریت تصویر و انگاره‌های جوامع رقیب، دوست و بی‌طرف در منازعات و نیز پی‌جویی اهداف ملی است.

- سیاست ۶۲. بهره‌گیری حداکثری از روش‌ها و ابزارهای «دیپلماسی نوین» (سایبری، افکار عمومی) و عمومی (مشمول بر دیپلماسی آموزشی، علمی، هنری، ورزشی، نخبگانی، جهانگردی، جشنواره‌ای، مذهبی و غیره).

- سیاست ۶۸. تلاش برای تبیین ارزش‌های انقلاب، دفاع مقدس و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران.

- سیاست ۶۹. ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی و فرهنگ‌سازی در اصلاح الگوی مصرف و اقتصاد مقاومتی: اگر اقتصاد مقاومتی تاب‌آوری و درون‌گرایی اقتصادی باشد، این امر نیازمند زیرساختی از سبک زندگی و نظام مصرفی است که نیازها، ارزش‌ها و ظرفیت‌های اسلامی ایرانی را ارجح بداند؛ چیزی که از موانع جدی تحقق اقتصاد مقاومتی تاکنون بوده است.

- سیاست ۷۰. اجرای نقشه مهندسی و تحقق پیوست فرهنگی طرح‌های مهم.

- سیاست ۷۱. «حمایت» مادی و معنوی از هنرمندان، نوآوران، محققان و تولیدکنندگان آثار فرهنگی: سیاست حمایت دولت از فرهنگ و هنر از رایج‌ترین ابزارهای تحقق و پیگیری ارزش‌های عام و بنیادین نظام اجتماعی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم محقق می‌شود.

- سیاست ۷۳. توجه ویژه به توسعه و «تجلی مفاهیم، نمادها» و شاخص‌های هویت اسلامی ایرانی در ساختارهای کشور: هرچند در این سیاست اغماض و اجمال نهفته است، عطف توجه به هویت ملی (اسلامی ایرانی) از مهم‌ترین ابعاد قدرت نرم است که تمرکز معنوی و همگرایی اقوام، مذاهب، گویش‌ها و گروه‌های مختلف فکری، سیاسی اجتماعی را تأمین می‌کند.

دلالت‌یابی سیاست‌های کلی پدافند

بند ۷. «فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی» در زمینه به‌کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در بخش دولتی و غیردولتی: تنها سیاست صریح در این سند (که البته نگاه آلی و ابزاری به فرهنگ و ارتباطات دارد)، سیاست هفتم است. بی‌شک مدیریت کلان پدافند غیرعامل در جامعه متحول و مرتباً در حال تغییر کنونی، بدون اتکا به انگیزه‌های درونی، کنشگری آگاهانه و همراهی همدلانه شهروندان میسر نیست؛ این همراهی منحصر به کارکنان کشوری و لشکری نیست و ظاهراً در همین متن سیاست‌ها هم هنوز جامعه و مردم به مثابه نقش‌آفرین اصلی مورد توجه نبوده‌اند. البته در ادامه این سیاست پیش‌بینی آموزش‌های متناسب در سطح عمومی و عالی و توسعه تحقیقات در زمینه پدافند غیرعامل مورد تأکید بوده است، اما انحصار در فرایند و ابزار «آموزش» (غیر مدرسه‌ای/ عام و اجتماعی)، با توجه به کارآمدی سایر ابزارهای سیاست فرهنگی، نقص مهمی است که در سند الگوی پیشرفت قابل جبران است (و جوه و فروع فرهنگ‌سازی هم توضیح داده نشده است و طبعاً باید روح فرهنگی ارتباطی تدابیر الگوی پیشرفت، اهداف پدافند را مدنظر داشته باشد).

سیاست‌ها و دلالت‌های مطلوب

سند الگوی پایه پیشرفت ایرانی اسلامی (پیشنهادی) دارای مقدمه، مبانی، رسالت و افق مهمی است که رویکرد و جهت‌گیری‌های اساسی تدوین‌کنندگان را نشان می‌دهد. مثلاً «خانواده‌گرایی» که از سیاست‌های پایدار نظام بوده و هست در افق پنجاه‌ساله سند محوریت یافته است.^۱ ضمناً تعبیری کلی مانند «تعالی فرهنگی و سرآمدی در تولید اندیشه و ابتنا بر معنویت» نیز در بخش افق وجود دارد؛^۲ از این رو، با توجه به رسمیت «تدابیر» سند در تولید برنامه‌ها و راهبردهای بعدی، مبنای تطبیق و ارزیابی خود را تدابیر قرار داده‌ایم. ابتدا تدابیر فرهنگی-ارتباطی را از منظر پدافند غیرعامل نقد و سپس خلأها را با تأکید بر سیاست‌های مصرح نظام و شرایط و جایگاه پدافند غیرعامل فرهنگی مرور می‌کنیم.

جدول ۱. فهرست تدابیر الگوی پایه پیشرفت مرتبط با موضوع پدافند غیرعامل فرهنگی

ردیف	شماره تدبیر	نقد	اصلاح و تکمیل
۱	۱	هرچند ترویج اسلام ناب متناسب با مقتضیات روز یک مأموریت دانی برای حکومت دینی است، هیچ آورده جدیدی برای نظام سیاست‌گذاری تبلیغ و نهاد حوزه ندارد (اجمال و کلیت).	«پویایی توأم با اصالت» در ترویج ملی، منطقه‌ای و جهانی «اسلام ناب» به‌مثابه پاسخ بن‌بست‌های زندگی معاصر و رمز عزت و احیای تمدنی جوامع مسلمان
۲	۲	این تدبیر (تعمیق توحید، معادباوری و ایمان به غیب) مانند تدبیر قبل تکرار منویات قانون اساسی است و دلالتی بر الگوی خاصی از پیشرفت فرهنگی ندارد.	اشرب نظری الگوهای حیات (تفکر، معنویت، علم و زندگی) و تربیت از مکتب توحیدی-فطری

۱. در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی مردم ایران دین‌دار، عموماً پیرو قرآن کریم، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیه‌السلام) و با سبک زندگی و خانواده اسلامی ایرانی و روحیه جهادی، قانون‌مدار، پاسدار ارزش‌ها، هویت ملی و میراث انقلاب اسلامی، تربیت‌یافته به تناسب استعداد و علاقه تا عالی‌ترین مراحل معنوی، علمی و مهارتی و شاغل در حرفه متناسب‌اند و از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید زندگی در سطح برتر جهانی برخوردارند.

۲. تا سال ۱۴۴۴ ایران به پیش‌تاز در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی تبدیل شده و در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گرفته و از اقتصادی دانش‌بنیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی برخوردار است.

<p>– نهادینه‌سازی تلازم عملی «معرفت قرآن» و «مودت و مرجعیت عترت» – پیشیابی، رصد و مواجهه فعال با تغییرات و شرایط آینده دین‌داری در جامعه با تأکید بر پدافند غیرعامل فرهنگی</p>	<p>بسط قرآن و عترت به‌ویژه احترام از انحراف و بدعت، تصریحی بر مسئله و تهدید بالقوه نظام فرهنگی یعنی تغییرات ناخواسته ارزشی و رفتاری به نام دین است، اما نقطه تمرکز تدبیر مجهول است.</p>	۳	۳
<p>تقدم و پیشرانی تصویر اخلاقی از دین‌داری جهت تغییر قضاوت نخبگان و ادراک عمومی از اسلام به مثابه جامعه</p>	<p>ترویج هنجارهای مدنی و تبلیغ عملی دین، بازگشت به وجهه اخلاقی و جامعه‌ساز دین را مورد نظر قرار می‌دهد، این تأکید بجا اما همچنان چندپهلوی و غیردکترینال است.</p>	۴	۴
<p>شناخت و قضاوت «واقع‌بینانه»ی دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی و بینش «تمدنی» به آینده آن</p>	<p>شناساندن علمی و واقع‌بینانه دستاوردهای انقلاب: باز غیریت این دکترین مشخص نیست؛ از این رو، اولاً، فهم غیرواقع‌بینانه از دستاوردهای انقلاب اسلامی گریبانگیر دوست و دشمن انقلاب است؛ ثانیاً، مدلول و مخاطب این واقع‌بینی کیست؟ ثالثاً، شناساندن علمی به معنای ابتنا بر نهادهای رسمی علمی (آکادمی) است؟ رابعاً، این دو قید برای تدبیری جهت تبیین و القای ماهیت انقلاب اسلامی کاملاً ابزاری، خنثی و حداقلی است و مثلاً برجسته‌سازی رویکرد تمدنی، فطری و انسانی به انقلاب اسلامی به‌ویژه برای مستضعفان عالم را مسکوت‌گذارده است.</p>	۵	۵
<p>– شایسته است سایر مسائل سیاستی نظام تعلیم و تربیت احصا و یک تا سه تدبیر هویت‌ساز منطبق بر سند تحول و موانع پیشرفت آن و نیز تحول در فرهنگ و ارتباطات جهانی و مجازی تدوین شود. – در نگاه انقلاب فرهنگی لازم است الگوی آموزش و پرورش همراه و قرین با سیاست‌ها و الگوی فرهنگی باشد، اما این امر مستلزم ترسیم روابط ممکن و بازشناسی حوزه یا مسئله سیاستی آموزش فرهنگی و فرهنگ آموزشی است.</p>	<p>به جز قید و وصف «عقلانی» که جهت‌بخش و تمایزساز است (+)، هیچ‌یک از دیگر دوراهی‌ها و چالش‌های جدی توسعه نظام تعلیم و تربیت مطرح نشده است (اقتصاد سیاسی، درجه اولویت، نقش مردم، نهاد دین و نهاد خانواده، درجه تمرکز، منابع^۱ و زیرساخت، جهانی‌گرایی یا بوم‌گرایی و غیره)</p>	۶	۶
<p>– مهم‌ترین مسائل و نیازهای انسان ایرانی ۵۰ سال پیش رو چیست؟ با چه منطقی آن‌ها را کشف می‌کنیم؟ تعامل و ادراک جهانی، تاب‌آوری، عاری از مصرف‌زدگی، متخلق و معنوی.</p>	<p>تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی و محکم‌کاری، این تدبیر از مؤثرترین اجزای الگو بر نرم‌افزارهای پایه پدافند غیرعامل فرهنگی است (+)</p>	۷	۷

۱. البته در تدبیر ۸ به ارتقای موقعیت شغلی، کرامت و منزلت اقشار علمی و فرهنگی به‌ویژه معلمان و استادان پرداخته است.

۸	۱۰	<p>اهتمام به احیا و توسعه نمادهای اسلامی ایرانی به‌ویژه در پوشش، معماری و شهرسازی با حفظ تنوع فرهنگی در پهنه سرزمین، این تدبیر مسائل سیاستی مهمی را در بر می‌گیرد، اما نه تکلیف الگوی شهرسازی را معین می‌کند و نه تکلیف مسئله تنوع فرهنگی را. هر چند مجموعاً به سیاست خرد مهمی در امنیت فرهنگی ملی اذعان دارد (+)</p>
۹	۱۵ و ۱۶	<p>این دو تدبیر به فرهنگ علمی و فناوری جامعه می‌پردازد. حمایت/مطالبه از برجسته‌ترین مؤسسات و شخصیت‌های علمی کشور برای تولید علم مسئله‌گرایی مفید و ارزش‌گذاری معلومات و مهارت‌های غیررسمی اما کارآمد. طبعاً نظام رسانه‌ای و فرهنگی کشور می‌تواند این تدبیر را مبنای برنامه‌ریزی قرار دهد (+)، اما بهتر بود الگوی پیشرفت در زیرنظام فرهنگ علمی-تخصصی به صورت «گزاره توصیفی منجر به انشا» می‌آمد.^۱</p>
۱۰	۱۹	<p>نهیضت کسب و کار هنرهای نمایشی و کارپردهای فضای مجازی (اپلیکیشن) به‌مثابه مزیت و ضرورت در اقتصاد فرهنگ موردنظر تدبیر است. طبعاً از مهم‌ترین مولدهای امنیت فرهنگی و نزاع رسانه‌های مسلط با سلاح افکار عمومی و جنگ شناختی مورد توجه قرار گرفته است. فرض ما این است که مطالعات مفصل این اولویت و انتخاب را به تدوین‌کنندگان داده است. ضمناً بر دوگان اصیل/بازاری هم تأکید شده است و مانند همیشه به‌جای رسیدن به یک الگوی سوم، رعایت هر دو توأمان سفارش شده است.^۲</p>
۱۱	۳۴	<p>این تدبیر به گسترش قطب‌های گردشگری با محوریت مناطق و مراکز هویت‌ساز (تصویر ملی) تأکید دارد. عمده انواع گردشگری (طبیعی، فرهنگی، مذهبی و سلامت) این قابلیت را دارد؛ ضمن آنکه اقتصادی آزاد از تحریم، درون‌زا و کاملاً بهره‌ور را تأمین می‌کند که خود می‌تواند در ساخت انگاره‌های جهانی نسبت به یک کشور مؤثر باشد و بازدارندگی مبتنی بر افکار عمومی مثبت ایجاد کند.</p>

۱. اساساً به نظر این گزارش همه متن باید چنین روشی اتخاذ می‌کرد؛ آنگاه سردرگمی برای کاربرد و تحمیل لغات و مفاهیمی چون حمایت، اهتمام، پیگیری، گسترش و غیره به پایان می‌رسید.
۲. با استفاده از میراث فرهنگی و ادبی ایرانی اسلامی و قابلیت‌های ملی و محلی + مطابق تقاضا و پسند مخاطب منطقه‌ای و جهانی.
۳. پیمان لاهه برای حفاظت از اماکن فرهنگی در موارد بروز درگیری‌های مسلحانه است. این پیمان که یادداشت تفاهم در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ در لاهه (هلند) به تصویب رسید، نخستین توافقنامه بین‌المللی بود که منحصرأ به حفاظت از اماکن فرهنگی، در صورت بروز درگیری مسلحانه، اختصاص داشت. به منظور تحکیم بیشتر این پیمان، یادداشت تفاهم دومی در ۱۹۹۹ تصویب شد و از نهم مارس ۲۰۰۴ به اجرا درآمد. از زمان تصویب در سال ۱۹۵۴، تعداد ۱۰۹ کشور به این پیمان پیوستند. تا سال ۲۰۰۴، از این رقم ۸۸ کشور به یادداشت تفاهم اول و ۲۲ کشور به یادداشت تفاهم دوم ملحق شدند.

۱۲	۴۴	<p>بی‌شک از نقاط طلایی فرهنگ سیاسی مطلوب در جامعه ایران نیل به فهم عمیق و تحکیم نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه است که نیازمند ترویج و گفتمان‌سازی است (+). اما تسری نظریه مردم‌سالاری دینی در حکمرانی «فرهنگ» و ارتباطات (و اقتصاد و سیاست داخلی و روابط اجتماعی...)، رمز پیشرفت جامعه ایرانی و هدف چنین سیاست‌هایی است که مورد توجه قرار نگرفته است.</p>
۱۳	۴۷	<p>نفس الامر آزادی^۱ از ارکان فرهنگی قوام جامعه مطلوب و انواع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و رسانه‌ای آن از اهداف جمهوری اسلامی ایران بوده است که نیازمند الگویی کاربردی ملهم از نظریه دینی و معنوی آزادی است. این تدبیر بی‌آنکه به فقدان این الگو در چهار دهه اخیر توجه داشته باشد، تقویت فضای آزاداندیشی را پیشنهاد داده است و البته بیشتر به ساحت آزادی سیاسی^۲ محدود شده است.</p>
۱۴	۵۴	<p>«دیپلماسی وحدت» یا تقرب مذاهب اسلامی از اهم ثابتات نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این تدبیر به حداقلی از ماهیت این الگو یعنی «تمرکز بر مشترکات و پرهیز از اهانتهای مقدسات مذاهب» توجه شده و توضیح دقیق‌تری درخصوص الگوی سیاستی تقرب نشده است.</p>
<p>نظریه مردم‌سالاری دینی می‌تواند در مسائل مهمی چون مشارکت، نظارت، امنیت و تنوع فرهنگی در جامعه ایرانی پاسخ‌گو باشد.</p> <p>نسبت نظریه و الگوی ولایت فقیه با هویت فرهنگی جامعه ایرانی باید دائماً تبیین شود تا به تقویت امنیت فرهنگی ملی منجر شود.</p>	<p>برخوردراری از آزادی‌های مشروع و قانونی در زمره مهم‌ترین حقوق انسان‌هاست و به دلایل گوناگونی، تاریخ نظریات و ایدئولوژی‌ها و حکمرانی‌ها نشان داده است که حکومت‌ها، به اسم برقراری عدالت یا امنیت، تمایل زیادی به نادیده گرفتن آن‌ها دارند؛ از این رو، راولز درخصوص رابطه عدالت با آزادی معتقد است «کسانی که داعیه عدالت‌ورزی دارند، اگر کوچک‌ترین تردیدی در حقانیت و ضرورت تضمین آزادی‌های مشروع قانونی و سیاسی کنند، یا غیرصادقانه رفتار می‌کنند یا حداقل درک روشن و دقیقی از مفهوم عدالت ندارند».</p>	<p>وحدت و انسجام اسلامی، امکان معاضدت ملت‌های مسلمان در برابر تهدیدها و تهاجم‌ها را هم محقق می‌کند؛ در واقع، قدرتی منطقی و هویتی ایجاد می‌کند که مضاف بر قدرت ملی هر یک از ملل مسلمان است. در الگوی فعلی تقرب، بیشتر مایه‌های سیاسی فعال است؛ حال آنکه از توجه به تعایش فرهنگی، همدلی و رفع سوءتفاهم‌های ذهنی رسانه‌ای و همزیستی اجتماعی فرق و مذاهب در کنار هم غفلت شده است.</p>

۱. هرچند در هر نظم اجتماعی و سیاسی، با قیود و حدود و شرایطی، سوءاستفاده یا انحراف از آن کنترل می‌شود.
۲. به منظور «ارزیابی و نقد علمی سیاست‌ها و عملکردهای گذشته و حال» برای «تصحیح مستمر آن و حفظ مسیر» انقلاب اسلامی.

۱۵	۵۶	این تدبیر گسترش «دیپلماسی عمومی» را بدون هیچ توضیحی در خصوص الگوی سیاستی جمهوری اسلامی ایران در این باب تصریح کرده است.	بازمهندسی و بازآفرینی نظام دیپلماسی ملی مبتنی بر وجه عمومی (دیپلماسی وحدت، مقاومت، عترت، خدمت و هویت) ^۱
۱۶	۱۶	ارزش‌گذاری معلومات و مهارت‌های غیررسمی روزآمد و کارآمد، ارتقای دانش‌های مهارتی و تنوع‌بخشی به شیوه‌های مهارت‌افزایی این تدبیر مربوط به حوزه آموزش‌های عالم و غیرکلاسیک است. همان‌طور که در بخش اول گزارش آمد، تنها بند فرهنگی تربیتی سیاست‌های پدافند نظام (بند ۷) هم به همین عرصه نظر داشته است.	دکترین‌هایی مانند «یادگیری مادام‌العمر» یا «آموزش پسااجباری» (نک: الکاک و دیگران، ۱۳۹۷: فصل ۴۲) و غیره فارغ از اینکه در کدام زیست‌بوم توسعه مطرح شده‌اند، الهام‌بخشی و معنابخشی به تصمیم‌گیران ملی دارد. حال آیا این ایده نسبتاً برنامه‌ای (بسیار فروتر از سیاست) پاسخ‌گوی الگوهای درخواستی برای نظام آموزش و مهارت عمومی/زندگی است؟

در جدول ۲، مبتنی بر ماهیت و اهداف پدافند غیرعامل که طبعاً با توجه به ادبیات امنیت فرهنگی آن‌ها را تفسیر می‌کنیم، به سراغ نقد درونی تدابیر یادشده می‌رویم. علامت «+» به معنای ترابط و توافق؛ علامت «-» به معنای عدم ترابط و تأمین هدف و علامت ستاره به معنای غیرقابل بررسی بودن و خارج از موضوع بودن است. این جدول امکان ارزیابی کمی تدابیر فرهنگی الگو با نگاه حداقلی را فراهم می‌کند. اهداف پدافند غیرعامل براساس اسناد بالادستی در پنج حوزه احصا شده است. در اینجا ربط تدابیر با اهداف پدافند را بررسی می‌کنیم و این به معنای تأمین هدف نیست؛ در واقع می‌توان با اصلاح و تحول در تدبیر موجود، تحقق باطنی و عمقی اهداف در الگوی فعلی را بهبود بخشید.

جدول ۲. تحلیل محتوای تدابیر الگوی پایه نسبت به اهداف پدافند غیرعامل

شماره تدبیر	افزایش بازدارندگی	کاهش آسیب‌پذیری	تداوم فعالیت‌های ضروری	ارتقای پایداری ملی	تسهیل مدیریت بحران
۱	*	-	*	*	*
۲	-	*	*	+	-
۳	-	-	*	+	*
۴	*	-	*	-	+

۱. بخشی از توضیح این پنج‌گانه جامع و مزیت‌بخش، که البته دیپلماسی رسمی و اقتصادی و غیره را می‌توان براساس آن توسعه داد، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد علیرضا کوهکن (۱۳۹۷) دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) آمده است.

*	+	*	+	-	۵
*	+	*	-	-	۶
+	-	+	+	*	۷
*	-	*	-	+	۱۰
-	+	+	+	*	۱۶/۱۵
-	-	+	-	+	۱۹
*	-	-	+	+	۳۴
*	-	-	+	-	۴۴
*	+	*	*	+	۴۷
-	+	*	*	-	۵۴
+	*	*	-	+	۵۶
					۱۵ مورد

براساس جدول بالا مشخص می‌شود که می‌توان رویکردهای مطرح در بخش اول را برای تحقق پدافند غیرعامل فرهنگی، به‌ویژه با توجه به بعد ادراکی-شناختی تهدیدها و آسیب‌های افکار عمومی، در برخی راهبردها وارد کرد (مواردی که بی‌ستاره یا کم‌ستاره است). گفتنی است در مواردی که با علامت منفی مشخص کرده‌ایم با جهت‌گیری مبهم و در واقع بی‌جهتی مواجه هستیم که باید متناسب با سیاست‌های کلی نظام یا مطالعات و اجماع‌آفرینی‌های جدید آن‌ها را اصلاح کرد.

نتیجه‌گیری و یافته‌نهایی

این بخش عملاً به سه عنوان کلی می‌پردازد و نسبت به سیاست‌های مطلوب پیشنهادی منعکس شده در «الگوی پایه» هدف «تغییر، حذف یا تأسیس» را پی می‌گیرد. تلاش ما در تدابیر تأسیسی این است که به هدف و مسئله‌های سیاستی موجود در نظام امنیت فرهنگی و ارتباطی کشور توجه داشته باشیم. شایان ذکر است در هر مورد باید حداقل موارد زیر را در قالب شناسنامه تدبیر به رؤیت جامعه‌سیاستی و ابلاغ‌کننده‌نهایی تدابیر رساند تا یک تصمیم‌گیری معقول حکمرانانه صورت پذیرد.

- نسبت با مبانی الگو،
- هدف تدبیر،

- شرایط محیطی و مسئله‌شناسی وضع موجود،
- نسبت با اهداف متناظر در افق،
- ارتباط ساختاری (تدابیر کمکی و اهداف هم‌راستا)،
- شاخص پایش و نظارت،
- نظریه و دکترین‌های رقیب/ جهانی.

پیشنهاد‌های تغییر: در قسمت نقد بخش دوم عمده پیشنهاد‌های تغییر هم مطرح شد. پیشنهاد‌های حذف: تدابیر ۱ تا ۳ هرچند مباحثی مبنایی را مطرح کرده‌اند، اساساً ربطی به تدابیر ندارند.

پیشنهاد‌های تأسیس: پیشنهاد‌های تأسیسی براساس حوزه‌ها یا مسائل سیاستی کلانی مطرح می‌شوند که در سند الگوی پایه مورد غفلت قرار گرفته است:

۱. ساخت و استحکام بخشی و محوریت دادن به هویت ملی، به‌مثابه هسته نرم جمهوری اسلامی ایران همچنان باید در دستور کار دولت و ملت باشد. در عصر گریز از مرکز هویت‌ها و سیالیت خودآگاهی و تضعیف ملیت به سود دهکده‌های جهانی همسوبا نظام مادی، همچنان هویت ملی است که قدرت‌آفرینی می‌کند و دفاع همه‌جانبه را محقق می‌کند. دکترین هسته واحد و پوسته پویا و اقتضایی که در اندیشه رهبر انقلاب (نک: افتخاری و دیگران، ۱۳۹۳) و دیگر اسناد بالادستی مورد توجه بوده است (نک: امامی، ۱۳۹۲) همچنان مورد تأکید است.

۲. یکی از حوزه‌های مغفول، که شاید به بهانه سند تحول توجه کمتری به آن می‌شود، آموزش و پرورش است. این درحالی است که شاهد عرصه‌های مغفول در همان سند و نیز چالش‌های جدید در این عرصه هستیم. نظام آموزش و پرورش ما هنوز از «فقدان الگوی اقتصاد سیاسی» و نحوه مداخله دولت رنج می‌برد و سرانه هر دانش‌آموز در بودجه دولتی و بیت‌المال جزء پایین‌ترین موارد در مقایسه با کشورهای دیگر است. در بسیاری مواقع دولت‌ها مدعی هستند که این عرصه را باید با خیرین و حمایت‌های مالی مردمی تأمین کرد و نیز با طرح‌هایی مانند خرید خدمات آموزشی (مشابه طرح کوپن آموزش در ایالات متحده) کمبودها را بدون گسترش حجم دولت جبران کرد. حال آنکه هر یک از این طرح‌ها یا برنامه‌ها محصول دکترین و الگویی خاص در نظام آموزش و پرورش است. پیشنهاد ما در این مورد تدبیری اساسی است که می‌توان آن را اقتصاد مشارکتی (خانواده/ دولت و دین)

آموزش مبتنی بر عدالت و کیفیت نامید؛ از این رو، نظام باید به سرعت از «تولید نابرابری آموزشی به واسطهٔ تقویک مدارس» به دولتی و غیرانتفاعی، سمپاد، نمونه دولتی و غیره جلوگیری کند. دسته‌بندی‌های مختلف مدارس و جداسازی دانش‌آموزان و گرایش معلمان حرفه‌ای‌تر به مدارس گران‌قیمت و تدریس خصوصی و مؤسسات کمک‌آموزشی منجر به بازتولید نابرابری آموزشی و در نهایت، ناکام‌ماندن دانش‌آموزان طبقات پایین‌تر جامعه در چرخهٔ رقابت و ورود به دانشگاه‌ها و رشته‌های برتر شده است.^۱ این بی‌توجهی دولت‌ها به آموزش متأسفانه از ویژگی‌های کشورهای عقب‌مانده است که کشور رو به پیشرفتی چون ما هم گرفتار آن شده است. از دههٔ پیش یونسکو به دولت‌های عضو توصیه کرده است بین ۴ تا ۶ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۵ تا ۲۰ درصد بودجهٔ عمومی را به آموزش عمومی اختصاص دهند، اما وضعیت ایران بدین صورت است که ۱/۵ تا ۲ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۰ درصد بودجهٔ عمومی دولت به آموزش و پرورش اختصاص دارد. همچنین، پرداخت از جیب خانواده‌ها در تأمین مالی آموزش عمومی به‌طور متوسط ۲۰ درصد است؛ این نسبت در کشورهای پردرآمد حدود ۱۸ درصد و در کشورهای کم‌درآمد حدود ۳۳ درصد برآورد شده است. براساس پایین‌ترین برآوردها، سهم پرداخت از جیب خانواده‌های ایرانی (صرفاً شهریه‌ای که به مدارس دولتی و غیردولتی می‌پردازند) از مجموع هزینه‌های آموزش و پرورش حدود ۳۳ درصد است. مسئولان آموزش و پرورش بر این باورند که آموزش و پرورش در کشور گران‌مداره می‌شود و سیاست‌گذاری‌ها در مسیر ارزان‌کردن هزینه‌های ادارهٔ آموزش و پرورش حرکت می‌کند؛ از سوی دیگر، برنامه‌ریزی‌های اشتباه در سال‌های اخیر علاوه بر چند دسته کردن مدارس، بار هزینه‌های آموزش را به دوش خانواده‌ها انداخته است (نک: احمدی و دیگران، ۱۳۹۵).

تأمین منابع انسانی دارای صلاحیت حرفه‌ای و پایدار خود چالش دیگری است. به نظر برخی^۲ ما تا کمتر از ده سال آینده با بحران تأمین و تربیت معلم مواجه هستیم. در حال حاضر، بیش از

۱. تصور کنید دانش‌آموزی دوازده سال دوران تحصیلش را در مدارس دولتی گذرانده است و حالا باید در آزمون کنکور با دانش‌آموزانی رقابت کند که در این سال‌ها به‌لحاظ آموزش شرایط ویژه‌ای را در مدارس خاصشان داشتند، اساساً می‌توان این شرایط را برابر دانست؟

۲. مصاحبهٔ محقق با دکتر حسین خنیفر، رئیس وقت دانشگاه فرهنگیان و استاد مدیریت دانشگاه تهران، دربارهٔ همین موضوع.

چهارده میلیون دانش آموز در کشور داریم^۱ و دوازده سال دیگر نوزده میلیون دانش آموز خواهیم داشت.



نمودار ۲. نمودار مقایسه کل جمعیت آماده ورود به مدرسه در پایه‌های مختلف برای سال‌های تحصیلی ۹۷-۹۶ و ۱۴۰۱-۱۴۰۰

همین امروز هم در منطقه ۶ تهران کلاس‌های چهل نفره داریم. در حالی که ۱ میلیون ۳۰ هزار معلم داریم (۹۰۰ هزار نفر استخدامی به اضافه حق‌التدریس‌ها و نهضت و غیره) که ۲۰۰ هزار نفر تا دو سال آینده و ۲۰۰ هزار نفر دیگر تا ۱۴۰۴ بازنشسته می‌شوند! حال این کمبود معلم را با چه سرعت و کیفیتی و کدام الگو و نهاد می‌توان جبران کرد؟ پیشنهاد ما تربیت و سازمان‌دهی مربیان و معلمان در درون جبهه جوان و مردمی انقلاب اسلامی و به عبارتی، تأمین شبکه‌ای معلم از طریق غیررسمی و غیرحضور با محوریت دانشگاه فرهنگیان است. با توجه به نقش موضوع آموزش و پرورش و عمومی در امنیت فرهنگی و همگرایی هویتی، مواجهه فعال با نیازهای توسعه‌ای و کیفیت بخشی این حوزه در تغایر بخشی و استقلال نظام از الگوهای غیربومی (مثلاً سیاست‌های مرتبط سند هزاره ملل متحد/ میلینیوم/ ۲۰۳۰) شایسته است «تدابیر آموزش و تربیت را از مصادیق پایدارسازی و مصون بخشی فرهنگی» و تأمین امنیت فرهنگی ملی بدانیم.

۱. به گفته بطحایی، وزیر وقت آموزش و پرورش و نقل شبکه خبر در ۱۹ شهریور ۹۷.

۳. سامانه‌های مهندسی فرهنگ:

- «مشارکت» فرهنگی در طراز جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و بهره‌گیری از مردم برای تحقق اهداف فرهنگی جامعه و نظام از عرصه‌های مغفول سند موجود است.
- «نظارت» بر فعالیت‌ها، خدمات و محصولات فرهنگی هنری رسانه‌ای از دیگر شئون سیاست‌گذار فرهنگی است. در آینده نظارت فرهنگی شاهد دو چالش مهم خواهیم بود: یکی کارآمدی آن نظارت است به نحوی که تأمین‌کننده امنیت فرهنگی و هدایتگر امین فعالان فرهنگی باشد و دیگری فرایند و الگوی اجرای این نظارت‌هاست که پسینی یا پیشینی و متمرکز یا غیرمتمرکز باشد؟
- «مباشرت» فرهنگی: اجرای مستقیم طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی ارتباطی یا مداخله مستقیم دولت و نهادهای عمومی در فعالیت‌ها، خدمات و محصولات فرهنگی باید تابع الگویی مشخص قرار گیرد تا از یک‌سو، تنوع و آزادی فرهنگی به خطر نیفتد و از سوی دیگر، انگیزه و شرایط کنشگری فعال مردم در این عرصه مخدوش نشود. «مباشرت» بالضروره با تأکید بر راه‌اندازی و جریان‌سازی می‌تواند الگویی باشد که تمایز مشخصی با الگوهای لیبرال یا توتالیتر دارد.
- تنوع فرهنگی: دکتین «تعاون و هم‌افزایی فرهنگی» در مقابل همگون‌سازی فرهنگی (آشنا و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۶۲) (نقض و هدم تنوع‌های فرهنگی ناشی از امپریالیسم صنایع فرهنگی امریکایی) یکی از الگوهایی است که می‌تواند مسئله مواجهه نظام با تنوع‌های فرهنگی درونی و بیرونی را تدبیر کند. دهشیری (۱۳۹۳) معتقد است هم‌افزایی فرهنگی رویکردی مناسب برای توسعه اجتماعی کشور محسوب می‌شود؛ از آن لحاظ که بر تعامل رویکردهای فرهنگی کلیه اجزای جامعه در عین حفظ هویت و همبستگی اجتماعی تکیه دارد و به تفاوت‌ها به اندازه شباهت‌ها اهمیت می‌دهد و بازتاب‌دهنده براینده همزیستی فرهنگی همه اعضای جامعه و نقش آن در توسعه اجتماعی کشور است. هم‌افزایی فرهنگی از رهگذر تقویت ارتباطات میان فرهنگی و تشویق گفت‌وگوی بین فرهنگی موجبات ارتقای سرمایه اجتماعی و انسانی و در نهایت، توسعه اجتماعی کشور را فراهم می‌آورد.
- عدالت فرهنگی: عدالت فرهنگی در کنار رونق فرهنگی (صنایع و خدمات فرهنگی) معنا می‌گیرد. دسترسی عادلانه، توزیع عادلانه و رونق خدمات و فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی مسئله مهم الگوی پیشرفت فرهنگ و ارتباطات است. در این خصوص جهت‌گیری نظام اسلامی

نسبتی تام با کلیت مسئله عدالت دارد و عدالت فرهنگی هم با رونق صنایع و فعالیت‌های فرهنگی همسوست (آشنا و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۹۱).

• «حمایت» فرهنگی: یکی از مهم‌ترین نسبت‌ها یا مداخله‌های طبیعی دولت‌ها در فرهنگ به حمایت و کم و کیف حمایت‌ها از خلاقیت‌ها، فعالیت‌ها (تولید، توزیع و مصرف) و امکانات و منابع انسانی فرهنگ مربوط می‌شود؛ در واقع ما برای تعیین کلی کمیت و کیفیت حمایت‌های بهینه دولت و بخش عمومی از فرهنگ نیازمند الگویی دکترینال هستیم. براساس تحقیقات نگارنده، «حمایت توانمندساز، غیرمستقیم و تأسیس‌گر» می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

۴. نظام‌مندسازی امنیت فرهنگی: امنیت فرهنگی مدیریت نفوذگری و نفوذپذیری هویتی و فرهنگی است. نه در نفوذگری باید اصل هویت و موجودیت مستقل کشورها خدشه‌دار شود و نه در نفوذپذیری، هویت ملی و سبک زندگی مضمحل شود. مدیریت نفوذ فرهنگی جهانی در سبک زندگی ایرانیان بر عهده همه نهادها به‌ویژه رسانه‌ها است؛ از این‌رو، در بعد «ملی» - همان‌طور که در بخش یک شرح داده شد - نیازمند «پویایی فعال و پایایی مقتدارانه در مقابل تهدیدات هویت ملی» هستیم (گوهری مقدم و لطیفی، ۱۳۹۶)؛ همان‌طور که پسته‌ها را می‌توان تغییر داد، اما شاکله یک شیء را حفظ کرد. هسته هویت ملی مبتنی بر حافظه ملی، حفاظت فرهنگی و ارزش‌های بنیادین موجود در آن‌ها باید تقویت و تثبیت شود و پویایی لازم برای مواجهه با جریان‌های تغییرخواه درون‌زا و برون‌زا مدیریت شود. اما در بعد امنیت فرهنگی انسانی - همان‌طور که در بحث تنوع فرهنگی اشاره شد - حقوق فرهنگی همه اقلیت‌ها و اقوام در نسبت با هسته معنوی و بنیادین اسلام و ایران باید به‌نحو تدبیر شود که رسمیت و رشد متناسب داشته باشد.

۵. فضای مجازی:

• امنیت: تدبیر ایمن‌سازی فضای سایبری با رویکرد شبکه‌ای-جزیره‌ای ممکن است. امنیت شبکه و زیرساخت و فضاهای تبادل اطلاعات نیازمند حکمرانی مقتدارانه نظام است. یکی از دکترین‌های مطرح در این عرصه، که نیازها و شرایط ما و تجارب جهانی آن را تأیید می‌کند، رویکرد بومی سلولی شبکه‌ای است؛ یعنی هم شبکه و اتصال به جهان و هم امکان جزیره‌سازی برای امکان دفاع در برابر تهدید و تحریم.^۱

۱. جلالی، ۱۳۹۸. <http://paydarymelli.ir/fa/news/46256>

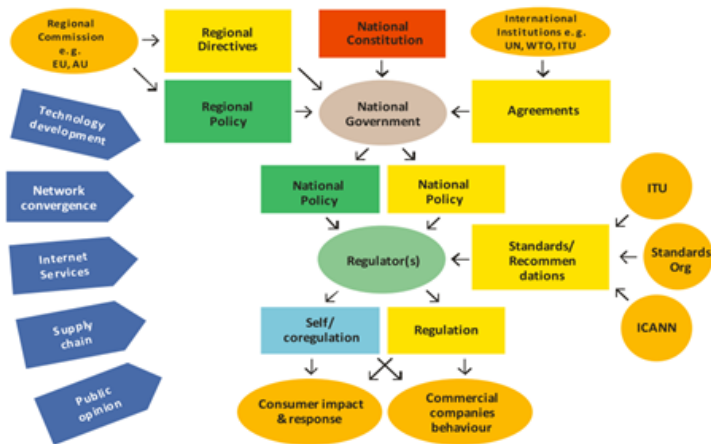
- **محتوا و سواد رسانه‌ای:** در جهان امروز کشورهای قدرتمند تلاش می‌کنند با شیوه‌های گوناگون حجم عظیمی از محتواهای هدفمند را که شهروندان سایر کشورها را به سوی سبک زندگی موردنظر آن‌ها سوق می‌دهد تولید کنند و با بمباران فکری افکار و اعتقادات آن‌ها را به نحوی که با منافعشان سازگار باشد، تغییر دهند. این امر همان موضوعی است که مقام معظم رهبری از آن با عنوان «جنگ نرم» یاد کردند. جنگ نرم در فضای مجازی، جنگ افزارها، مهمات و گلوله خاص خود را دارد. محتوا، موشک قاره‌پیما و مهمات جنگی جنگ نرم است. هر کس محتوای بیشتر و با کیفیت‌تری تولید کند، موفق‌تر است. در جنگ نرم کیفیت محتوا بسیار مهم است. «خودکفایی، غنی‌سازی و توانمندسازی مولدان و منابع» در محتوای فضای مجازی در کنار «دکترین خانواده‌متولی مصرف در سواد رسانه» پیشنهاد می‌شود. بر این اساس، مقررات‌گذاری، حمایت، سازمان‌دهی و حتی مباشرت‌های دولتی تنظیم می‌شود. به نظر بسیاری، مهم‌ترین رکن و ابزار سیاست‌گذاری محتوا بر بستر فضای مجازی مقررات‌گذاری است. حال نباید مقررات‌گذاری را تابع دکترین بازار پایه و سوداگرانه قرار داد. پیش از این مفهوم محتوای پاک در ادبیات سیاست‌گذاری فضای مجازی ایران شیوع یافته بود.^۱ مدل راهبردی مشارکت همراه با هدایت مالکیت فکری در فضای مجازی^۲ نیز در همین موضوع ارائه شده است.
- **بازار:** طبعاً اقتصاد آینده مبتنی بر تحولات شگرف فناوری اطلاعات و ارتباطات است. کاستلنز در سه‌گانه مهم جامعه شبکه‌ای به‌طور مفصل از یک تاریخ اقتصادی جدید سخن گفته است. دکترین فضای مجازی ایران باید نسبت به کلان‌مسئله بازار و تجارت و کسب و کار و کار آفرینی

۱. وضعیت‌شناسی تولید و مصرف محتوای فضای مجازی در ایران، سیاست‌های کلان مدیریت محتوای ملی ایران، آسیب‌شناسی محتوای ملی در فضای مجازی ایران، جرائم و مقررات جزایی و حقوقی در فضای مجازی ایران، حق نشر در فضای مجازی ایران، طبقه‌بندی محتوا در فضای ایرانی، زبان و خط فارسی در محیط مجازی ایران، حفظ و تقویت زبان و ادبیات فارسی در فضای مجازی، محتوای بین‌المللی در فضای مجازی ایران، قوانین و مقررات مرتبط با فضای مجازی ایران، استناداردهای تولید محتوا در فضای ایران، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی نسبت به تولید محتوا در فضای مجازی ایران، ارزش‌های انقلاب اسلامی در محتوای مجازی ایران، شاخص‌ها و مقیاس‌های ارزیابی ساختار، برنامه و محتوای فضای مجازی دولتی ایران، رتبه‌بندی محتوای ملی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران، تپ‌شناسی خدمات فرهنگی مجازی در فضای دوم ایران، ارائه مدل مطلوب برای مدیریت محتوا در فضای مجازی ایران، تحلیل انتقادی سلطه دشمنان ایران در فضای مجازی و مدل‌های هم‌افزایی تولید محتوای ارزشمند در فضای مجازی سایر مباحثی است که پژوهشگران برای رسیدن به یک دکترین در حوزه محتوا به آن‌ها دقت داشته‌اند.

۲. عاملی و محسنی آهویی، ۱۳۹۱.

پاسخ‌گو باشد و بتواند حاکمیت و حکمران ملی را در این راستا به یک جهت اجماع‌بخش و مشخص رهنمون کند.

- **دسترسی و زیرساخت:** اساساً توسعه را مقرون با افزایش زیرساخت و فرصت‌های بهره‌برداری از امکانات و منابع دانسته‌اند. حال در خصوص فضای مجازی و ویژگی‌های نوین فناوری، مسئله استقلال و سرآمدی، نباید دوگان پنداشته شوند. آیا می‌توان از الگوی چین یا حتی کره در جمع بین خودکفایی و کارآمدی بهره گرفت؟ دسترسی فراگیر و عادلانه و البته متناسب با نیاز همه شهروندان به شبکه خود زیر مسئله مهمی است.
- **پالایش:** نوع الگو در فیلترینگ است که براساس آن امکانات و ابزار حفاظت و پالایش انتخاب و طراحی می‌شود. با تحولات نوین، بلاک چین و نفی امکان فیلترینگ هوشمند ملی، نشان داده شد نباید در چهارچوب فناوری و نظام‌های رایج غرب و به‌طور مشخص، کمپانی‌های اصلی رسانه و ارتباطات مجازی محدود شد و باید با نوآوری و البته خلاقیت فناوریانه مسیری برای فیلترینگ ملی بدون تحدید آزادی‌های اساسی و ارتباطی پیدا کرد.
- **نظام رگولاتوری:** نظام تنظیمی خود شامل اجزا و ارکان مختلف است. از دیدگاه سیستمی نظام تنظیمی دارای سه بخش مشتمل بر مکانیسم‌های سنجش و ارزیابی وضعیت بخش و نظارت بر آن به‌عنوان ورودی سیستم، مجموعه تصمیم‌گیری به منظور تعیین و اتخاذ راهکار و روش مناسب برای هدایت بخش از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب و در نهایت، ابزارها و مکانیسم‌ها و اهرم‌های اجرایی لازم به‌عنوان خروجی سیستم جهت اعمال حاکمیت و هدایت بخش است. باید حال کلان‌سیاست یا همان دکترین حاکم بر این حوزه اعلام شود.



افزایش سرعت اینترنت زمینه مناسبی را برای ارائه حجم عظیم محتوای صوتی و ویدئویی به مخاطب در بستر وب فراهم کرده است و تولیدکنندگان محتوا اکنون قادرند محصولات خود را با واسطه کمتری به کاربران نهایی تحویل دهند. اکنون در این فضا تنظیم‌گری محتوای صوت و تصویر، متناسب با بسترهای نوین انتشار در فضای مجازی، به مسئله مهمی تبدیل شده و به هر میزان که حمایت از فرهنگ بومی و ترویج و تقویت ارزش‌های دینی و ملی از بستر رسانه مهم‌تر باشد، حضوری مؤثرتر، پویا و ابتکاری را در میدان تنظیم‌گری رسانه‌های نوین طلب می‌کند. براساس یک پژوهش راهبردی، که می‌توان در فهم الگوی پیشرفت و حکمرانی توسعه فضای مجازی کشور به آن توجه داشت، الگوی مطلوب نظام تنظیم‌گری محتوای صوت و تصویر در بسترهای نوین انتشار فضای مجازی، در نهایت در خلال مطالعات مبنایی، مطالعات تطبیقی و مصاحبه با کارشناسان، ساختار نظام لایه‌ای تنظیم‌گری، مطلوب ساختار رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران به دست آمده است. در این ساختار سازمان صدا و سیما به‌علت سبقه سنتی و قانونی، ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و مشکلات بر سر راه تأسیس یک تنظیم‌گر کاملاً مستقل در شرایط فعلی، در یک دوران گذار، متولی تنظیم‌گری خواهد بود و بخشی از وظایف آن با تمسک به نگاه نهادی شورای عالی فضای مجازی در یک تقسیم‌بندی عرضی به نهادهای حاکمیتی، سازمان‌های تخصصی، بخش خصوصی، خانواده و فرد تفویض خواهد شد. این پنجره واحد تنظیم‌گری با تأسیس یک نهاد عالی نزدیک به رأس هرم سازمان صدا و سیما با ترکیب اعضای فراسازمانی، متشکل از بخش دولتی و خصوصی و مأموریت‌فرانهادی ایجاد شده است تا در نهایت، پس از طی یک دوره گذار، به استقلال کامل موردنیاز سازمانی تنظیم‌گر دست یابد. در این الگوی سه‌لایه، تنظیم‌گری لایه نخست، که محتوای آن حساس و سرویس بسیار فراگیر است، به شیوه حاکمیتی توسط نهاد عالی تنظیم‌گر نظارت شده و این بخش استراتژیک و غیرقابل واگذاری است. در لایه دوم از ظرفیت سایر بخش‌های نظام مانند سازمان‌های دولتی و غیردولتی تخصصی از طریق مذاکره و توافق با نهاد عالی تنظیم‌گر استفاده می‌شود. در این سطح، سرویس همچنان فراگیر و حساسیت محتوایی کمتر از سطح نخست است. تنظیم‌گری محتوا در این سطح توسط این سازمان‌های تخصصی انجام می‌گیرد. در لایه سوم، دایره فراگیری محدود و حساسیت محتوایی پایین است. در این سطح ضوابط به بخش خصوصی توانمند اعطا می‌شود و در صورت تخلف از این ضوابط، برخوردهای چندمرحله‌ای از دستور حذف محتوا تا وضع جریمه‌های سنگین مالی صورت می‌گیرد. در پژوهش دیگری اما الگوی نهاد تنظیم‌گر همگرا اما مستقل از همه بازیگران

موجود سفارش شده است (ناظمی و اسماعیلیان، ۱۳۹۷).

۶. حوزه مهم افکار عمومی: تحول جایگاه افکار عمومی در ذهن نخبگان و کارگزاران به عنوان «دارایی راهبردی سطح اول نظام»، که مهم‌ترین نقش پس از ایمان و بصیرت خواص را در موقع تهدید و بحران دارد، مهم‌ترین نیاز سند الگو در این حوزه است. برای مثال می‌توان تدبیری با عنوان راهبری صداقت پایه افکار عمومی به مثابه دارایی راهبردی نظام سیاسی را افزود. مناسبات حوزه امنیتی با افکار عمومی خود دارای مدل‌های دولتی و غیردولتی مختلفی است (افتخاری و قدرت‌آبادی، ۱۳۹۵). الگوی مختار می‌تواند «مردمی‌سازی امنیت بر پایه رشد افکار عمومی» باشد.

جدول ۳. تدابیر پیشنهادی افزودنی جهت الگوی پایه پیشرفت

حوزه	موضوع تدبیر تأسیسی	متن
تربیت و آموزش	اقتصاد مشارکتی	اقتصاد مشارکتی (خانواده/ دولت و دین) آموزش مبتنی بر عدالت و کیفیت
	تأمین منابع انسانی	هدایت و حمایت از نخبگان دارای انگیزه تربیتی به نظام آموزشی
هویت ملی	سیاست‌گذاری کلان	جاگیری آموزش و تربیت در صدر نقشه پیشرفت ملی با تأکید بر پایدارسازی و مصون‌بخشی فرهنگی و تأمین امنیت فرهنگی ملی
	مدیریت توأمان تنوع و همبستگی	هسته واحد مقاوم پوسته‌های متنوع و اصیل
مهندسی فرهنگی	مشارکت و مردمی‌سازی	تحقق مسئولیت فرهنگی منجر به مشارکت مردمی در بیش از نیمی از فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی رسانه‌های هنری
	نظارت	تنظیم‌گری حاکمیتی، نظارت تخصصی، مراقبت مردمی با محوریت امر به معروف و نهی از منکر
	مباشرت و مداخله	مدیریت بالضروره با تأکید بر پشتیبانی و جریان‌سازی فرهنگی
	تنوع فرهنگی	هم‌افزایی فرهنگی
فضای مجازی	حمایت و تسهیلات	حمایت توانمندساز، غیرمستقیم و تأسیس‌گر
	امنیت	ایمن‌سازی فضای سایبری با رویکرد شبکه‌ای-جزیره‌ای
	محتوا	خودکفایی، غنی‌سازی و توانمندسازی مولدان و منابع در محتوای فضای مجازی
	تنظیم مقررات	دکترین خانواده متولی مصرف در سواد رسانه
	پالایش	نظام لایه‌ای تنظیم‌گری پالایش اختیاری، آگاهانه و چندسویه محتوای مفید (کارآمدسازی نقش مصرف‌کننده به ویژه خانواده)

سیاست‌گذاری کلان	راهبری صداقت پایه افکار عمومی به‌مثابه‌داری راهبردی نظام سیاسی
افکار عمومی	عملیات رسانه‌ای شناختی مردمی‌سازی امنیت بر پایه رشد افکار عمومی
امنیت فرهنگی	انسانی اعتلای حقوق فرهنگی همه اقلیت‌ها و اقوام در نسبت با هسته معنوی و بنیادین اسلام و ایران
ملی	پویایی فعال و پایایی مقتدرانه هویت ملی

کتابنامه

۱. آشنا و همکاران. ۱۳۹۷. «از سیاست‌گذاری تا سنجش فرهنگی». انتشارات پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
۲. آشنا، حسام‌الدین؛ اسماعیلی، محمدصادق. ۱۳۸۸. «امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی». راهبرد فرهنگ. شماره ۵. بهار.
۳. ابن‌الدین حمیدی، محمدرضا. ۱۳۸۹. «رهبری افکار عمومی». مجله علمی پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. شماره ۲. زمستان. صص ۲۳۰-۱۰۵.
۴. احمدی، غلامعلی؛ عباس‌زاده شهری، طاهره؛ درویشی، علی؛ میرجوانی زنگنه، کاترین. ۱۳۹۵. «مروری بر نحوه تأمین منابع مالی در آموزش و پرورش». مقالات نخستین کنفرانس نخبگان مدیریت. نمایه‌شده در SID. تاریخ بازیابی: ۹۸/۵/۱۷.
۵. اسکندری، محمد. ۱۳۹۷. «آنچه باید درباره جنگ‌های ترکیبی بدانیم». ماهنامه تخصصی صیانت پایدار. شماره هفتم. آبان ۹۷.
۶. افتخاری، اصغر. ۱۳۹۲. «امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی». تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. افتخاری، اصغر؛ اسدی، علیرضا؛ نزهت، ابراهیم. ۱۳۹۳. «ناسیونالیسم و هویت ملی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای». پژوهشنامه انقلاب اسلامی دانشگاه همدان. دوره ۴. شماره ۱۱. تابستان. صص ۱۹-۴۳.
۸. افتخاری، اصغر؛ قدرت‌آبادی، علیرضا. ۱۳۹۵. «سازمان‌های اطلاعاتی و افکار عمومی؛ راهبردی برای امنیت‌سازی». پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی. دوره ۵. شماره ۱۹. پاییز. صص ۱-۱۵.
۹. امامی، سید مجید. ۱۳۹۲. «از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاسی پیشرفت (توسعه)؛ نقش پارادایم ماهیت‌گرا در ترسیم الگوی اسلامی ایرانی هویت ملی». مطالعات ملی. زمستان. شماره ۵۶. صص ۳-۳۴.

۱۰. بوزان، باری. ۱۳۷۸. «مردم، دولت‌ها و هراس». تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۱. بیطرف، احسان؛ نیک‌فطرت، مرتضی. ۱۳۹۵. «بررسی تأثیرات فرهنگی در معماری بومی ایران از منظر پایداری». مطالعات هنر و معماری. سال دوم. تیر و مرداد. شماره ۴ و ۵. پیاپی ۱۱ و ۱۲. جلد ۴.
۱۲. پایداری ملی. ۱۳۹۸. «سیاست‌های اجرایی پدافند غیرعامل فرهنگی کشور رونمایی شد». پایگاه اطلاع‌رسانی پدافند غیرعامل. کد خبر: ۵۷۰۲۶. تاریخ انتشار: ۲۹ بهمن ۱۳۹۸. <http://paydarymelli.ir/fa/news/57026>
۱۳. پایداری ملی. ۱۳۹۹. «معرفی سازمان». پایگاه اطلاع‌رسانی پدافند غیرعامل. <http://paydarymelli.ir/fa/content/20>
۱۴. جلالی، غلامرضا. ۱۳۹۸. «بهترین راهبرد پیشرفت در حوزه سایبر، ملی سازی فضای سایبری با رویکرد شبکه‌ای - جزیره‌ای می‌باشد». پایگاه اطلاع‌رسانی پدافند غیرعامل (پایداری ملی). تاریخ انتشار: ۷ فروردین ۱۳۹۸. <http://paydarymelli.ir/fa/news/46256>. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵
۱۵. دانایی‌فر. حسن. ۱۳۹۸. «صبر، طاقتش برید». دوفصلنامه تخصصی تأملات رشد. بهار و تابستان. پیاپی ۳. صص ۲۸۸-۲۷۶.
۱۶. دهشیری، محمد رضا. ۱۳۹۳. «جایگاه هم‌افزایی فرهنگی در توسعه اجتماعی کشور». مطالعات توسعه اجتماعی ایران. بهار. سال ششم. شماره ۲. صص ۴۴-۲۵.
۱۷. عاملی، سعیدرضا؛ محسنی آهویی، ابراهیم. ۱۳۹۱. «مالکیت فکری در فضای مجازی و مدل راهبردی مشارکت همراه با هدایت». ارائه شده در نخستین همایش محتوای ملی در فضای مجازی. تهران. منتشر شده در: <http://static-files.icnc.ir/Files/Document/Article/1391/12/5/10386b3b9e264bbf854cea4d1184be19.pdf>.
۱۸. ال‌کاک، پیت؛ می، مارگارت؛ راولینگسون، کارن. ۱۳۹۱. مرجع سیاست‌گذاری اجتماعی. ۲. جلد. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. کوهکن، محمدرضا. ۱۳۹۷. «تدوین الگوی سیاستی مردمی سازی دیپلماسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تجربه کاوی نمونه‌های موفق ایرانی». پایان‌نامه کارشناسی

- ارشد. دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۲۰. گوهری مقدم، ابوزر؛ لطیفی، سید علی. ۱۳۹۶. «تهدیدات هویتی از نگاه امام و مقام معظم رهبری». پژوهشنامه انقلاب اسلامی دانشگاه همدان. دوره ۷. شماره ۲۳. صص ۱۹-۱.
۲۱. مرکز مطالعات پدافند غیرعامل کشور. ۱۳۹۹. «معرفی سازمان». <http://www.pdrc.ir/in-dex.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=431>. تاریخ بازیابی: ۱۳/۰۹/۱۳۹۸.
۲۲. مقتدایی، لیلا؛ امیری، زهرا. ۱۳۹۶. «بررسی تأثیر مدیریت افکار عمومی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان اصفهانی». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۶. شماره ۱۷. پاییز. صص ۸۸-۶۳.
۲۳. مک‌کین لای، آر.دی؛ لیتل، آر. ۱۳۸۰. امنیت جهانی؛ نظریه‌ها و رویکردها. ترجمه اصغر افتخاری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۴. میرسمیعی، سید محمد. ۱۳۹۱. پدافند غیرعامل (اصول و مبانی). تهران: مرکز انتشارات راهبردی نهجا. چاپ اول.
۲۵. _____ ۱۳۹۵. «کلیات در دفاع غیرعامل». (مجموعه شعله‌های سفید). تهران: انتشارات پشتیبان.
۲۶. ناظمی، امیر؛ اسماعیلیان، ملیحه. ۱۳۹۷. «ارائه الگویی برای نهاد تنظیم‌گر رسانه‌های نوین صوتی-تصویری بر پایه روش تصمیم‌گیری پابرجا». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. بهار. شماره ۲۶.
۲۷. یونسکو. ۱۳۸۱. قدرت فرهنگ؛ اجلاس میان دولت‌ها درباره نقش زنان در سیاست‌های فرهنگی و توسعه. ترجمه مؤسسه تحقیقات بازتوانی و بهبود زندگی زنان. تهران: سرایی.
۲۸. سیاست‌های برنامه ششم.
۲۹. سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل.